

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 12, Winter 2020-2021, 261-286
Doi: 10.30465/crtls.2020.30303.1802

Critique and Review of *Time, Consumption and Everyday Life*

Mohammad Abbaszadeh*

Farhad Shamsi Matanagh**

Abstract

Among the common themes of the social sciences in Iran, the subject of time has been neglected in spite of its importance, and the poverty of the theoretical literature of sociology around time is quite evident with regard to the books and articles published. In this situation, translating this book into Persian, regardless of its translation defects, is a commendable and valuable work. The focus of this book is on the interrelationships between the concepts of time, consumption, daily life, psychological, social, and cultural factors, and the place of capitalism. Most of its articles have been written with a focus on behavioral theory and simultaneous involvement of micro and macro levels. By questioning the universal understanding of time and benefiting from comparative ethnography and historical analysis, the book is skeptical of common concepts such as traditional equilibrium and turbulent modernity. The experience of time is not shaped by external forces, but by time, being constantly reproduced and transformed by the sequence and timing of daily action. Many and probably most of the processes and actions involved in making time involve the use of things and consumption. The culture of commercial consumption plays an active role in creating value-time regimes.

Keywords: Time; Consumption; Everyday Life; Modernity

* Professor of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran (Corresponding Author),
m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

** PhD Candidate of Sociology of Economy and Development, University of Tabriz, Tabriz, Iran,
f.shamsi313@gmail.com

Date received: 2020-09-21, Date of acceptance: 2021-01-30

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی کتاب زمان، مصرف، و زندگی روزمره

محمد عباس زاده*

فرهاد شمسی متق**

چکیده

در میان موضوعات رایج علوم اجتماعی در ایران، موضوع زمان علی‌رغم اهمیت آن مورد غفلت قرار گرفته و فقر ادبیات نظری جامعه‌شناختی پیرامون زمان، با توجه به کتب و مقالات چاپ‌شده، کاملاً مشهود است. در این شرایط، برگردان این کتاب به فارسی، صرف‌نظر از نقص‌های ترجمه‌ای آن، کاری قابل تقدیر و ارزنده است. تأکید مقالات این کتاب بر روی ارتباط متقابل بین مفاهیم زمان، مصرف، زندگی روزمره، عوامل روان‌شناختی و اجتماعی و فرهنگی و جایگاه سرمایه‌داری است که با گرایش به نظریه‌پرداز و دخیل کردن هم‌زمان سطوح خرد و کلان اغلب مقالات آن نگارش یافته است. این کتاب با زیرسؤال بردن درک جهان‌شمول از زمان و با سودجستن از مردم‌نگاری تطبیقی و تحلیل تاریخی برخورد شکاکانه‌ای با مفاهیم و باورهای رایج دارد؛ مانند این عقیده که دوره سستی دوره‌ای متعادل، و مدرنیته دوره‌ای آشفته است. تجربه زمان به واسطه نیروهای بیرونی شکل نمی‌یابند، بلکه زمان‌مندی‌ها دائماً باز تولید می‌شوند و از طریق توالی و زمان‌بندی کردار روزمره وضع و دگرگون می‌شوند. بسیاری و احتمالاً بیش‌تر فرایندها و کردارهای درگیر در ساخت زمان درگیر استفاده از چیزها و مصرف هستند. فرهنگ مصرف تجاری نقش فعالی در خلق رژیم‌های ارزش زمان‌مند بازی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زمان، مصرف، زندگی روزمره و مدرنیته.

* استاد گروه علوم اجتماعی، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، f.shamsi313@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۱

۱. مقدمه

بنابه اذعان این کتاب زمان به موضوع محوری مناظرات آکادمیک و نیز حیات عمومی تبدیل شده است (شاو و دیگران ۱۳۹۷: ۱۱). اما درباب اهمیت موضوع «زمان» برای علمای علوم اجتماعی ایران، با توجه به کمبود منابع، پژوهش‌ها، و مقالات نادری که به چاپ رسیده‌اند، این اهمیت جای پرسش دارد. برای درگیر شدن با مباحث زمان با رویکردهای جامعه‌شناختی و سایر حوزه‌های دانش اجتماعی، ترجمه این کتاب به هم‌راه چند اثر انگشت‌شمار دیگر می‌تواند به‌عنوان یک حسن شروع باشد.

نوشتن درباره زمان همواره مورد توجه رشته‌های متنوعی هم‌چون فلسفه، جغرافیا، جامعه‌شناسی، فیریک، ادبیات، الهیات، تاریخ، مردم‌شناسی، و... بوده است. اما سنت‌های علمی تاکنون چندان توجهی به ترکیب ابعاد و رویکردها نداشته و هرکدام با استفاده از ابزار خود در مسیر خاص خودش حرکت کرده است. به‌ادعای ویراستاران این اثر، قصدشان در این کتاب بر این است تا با اتخاذ یک رویکرد بین‌رشته‌ای و ترکیبی از گرفتاری در تنگ‌نظری سنت‌های روش‌شناختی خاص و جدا از هم اجتناب کنند.

۲. معرفی کتاب

کتاب *زمان، مصرف، و زندگی روزمره* با عنوان فرعی «کردار، مادیات، و فرهنگ» در اندازه رقیعی و با جلد شومیز حاوی ۴۵۸ صفحه است که نخستین چاپ آن در سال ۱۳۹۷، با شمارگان هزار نسخه، در شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر شده است. رده‌بندی کنگره آن از HM ۶۵۸/ و رده‌بندی دیویی ۳۰۶/۳۰۱ بوده و قیمت پشت‌جلد این کتاب ۲۶۰۰۰ تومان است.

این کتاب شامل چهارده مقاله از اندیشمندان متنوعی از رشته‌های علوم اجتماعی است که سه نفر به نام‌های الیزابت شاو (Elizabeth Shove)، فرانک ترنتمان (Frank Trentmann)، و ریچارد ویلک (Richard R. Wilk) کار ویرایش کتاب اصلی را برعهده داشته‌اند و علیرضا مرادی مسئولیت برگردان اثر به فارسی را برعهده داشته است.

۳. بررسی ساختار کتاب

ترتیب قسمت‌های کتاب ترجمه‌شده به فارسی بدین صورت است که پس از فهرست و پیش‌درآمد، فصول چهارده‌گانه کتاب آمده است. البته لازم است اشاره شود که در متن

نقد و بررسی کتاب *زمان، مصرف، و زندگی روزمره* (محمد عباسزاده و فرهاد شمسی منتقد) ۲۶۵

انگلیسی، علاوه بر قسمت‌های فوق، فهرست جداول و اشکال، معرفی نویسندگان مقالات، و بخش سپاس‌گزاری کتاب نیز وجود دارد. هم‌چنین در متن اصلی، در فهرست‌بندی، فصول در چهار بخش دسته‌بندی شده‌اند که این بخش‌بندی، علی‌رغم اهمیت روشن‌گرانه‌اش، در ترجمه کتاب نادیده گرفته شده‌اند. عناوین این بخش‌ها را می‌توان این‌گونه ترجمه کرد:

بخش یک: زمان، فضا، و کردار (Time, Space and Practice)، مشتمل بر فصول ۱، ۲، و ۳؛
بخش دو: آهنگ‌حرکتی و شاخص: نظم زمان‌مند و اختلال (Pace and Scale: Temporal Order and Disruption)، شامل فصول ۴، ۵، و ۶؛
بخش سه: ضرب‌آهنگ، الگو، و چرخه‌های زمان‌مند مصرف (Rhythms, Patterns and Temporal Cycles of Consumption)، دربرگیرنده فصول ۷، ۸، و ۹؛
بخش چهار: زمان‌مندی‌های کالا (The Temporalities of Stuff)، شامل فصول ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، و ۱۴.

۴. نقد و بررسی ترجمه کتاب

ادبیات نظری بحث زمان، از منظر علوم اجتماعی به زبان فارسی، از جمله مباحث مغفول و فقیر است که انتخاب چنین کتابی توسط مترجم برای ترجمه بسیار جای تقدیر و تشکر دارد و اقدامی ارزنده بوده است. این پیش‌قدمی و تازگی مفاهیم همیشه مخاطراتی داشته است که در این اثر نیز به چشم می‌خورد. ترجمه این کتاب بیش‌تر حالت گرت‌برداری و به‌صورت کلمه‌به‌کلمه بوده است و برای بیان معناها و ایده‌های کتاب به‌صورت رساتر و روشن‌تر مترجم می‌توانست از رویکرد «ترجمه محتوایی، آزاد، و برداشتی» استفاده کند. گرت‌برداری و ترجمه لغت‌به‌لغت برای ایفای معنی متون علوم اجتماعی معمولاً روشی ناکارآمد است. متأسفانه، متن ترجمه‌شده با متن اصلی در موارد بسیاری هم‌خوانی ندارد و لازم است که متن ترجمه‌شده با متن اصلی هم‌خوان‌سازی شود؛ چراکه به‌کرات در تطبیق متن فارسی با متن انگلیسی شاهد تحریف معنا، حذف جملات و شکل‌ها، و حتی نام‌یکی از ویرایش‌گران کتاب از روی جلد آن هستیم. در جای‌جای این کتاب، شواهد بی‌شماری از یک ترجمه مسئله‌مند به چشم می‌خورند که دقت و بازبینی متن ترجمه‌شده را می‌طلبد. در بین نمونه‌های موردبررسی، مثلاً در صفحه ۳۵ کتاب انگلیسی، کلمه «teleological» به‌اشتباه در صفحه ۷۳ کتاب فارسی «تکنولوژیکی» ترجمه شده است. این کلمه را می‌توان به فرجام‌گرایانه یا غایت‌شناختی ترجمه کرد.

شکل ۱-۲ در صفحه ۲۲ و شکل ۱-۳ در صفحه ۲۳ کتاب انگلیسی، که مربوط به کیفیت استفاده از زمان در کشورهای فرانسه و فنلاند است، در متن ترجمه‌شده به فارسی حذف شده‌اند.

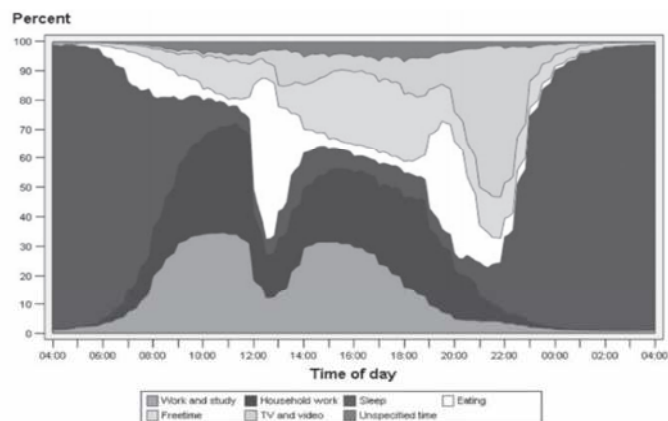


Figure 1.2 Time use, France, 2000. *Source:* Multinational Time Use Study, Version 5.5.2 (released 14 October 2005). Created by Jonathan Gershuny, Kimberly Fisher and Anne H. Gauthier, with Alyssa Borkosky, Anita Bortnik, Donna Dosman, Cara Fedick, Tyler Frederick, Sally Jones, Tingting Lu, Fiona Lui, Leslie MacRae, Berenice Monna, Monica Pauls, Cori Pawlak, Nuno Torres and Charlemaigne Victorino. ISER, University of Essex, Colchester, UK. <http://www.timeuse.org/mtus/> (accessed 31 March 2009).

شکل ۱. شکل ۱-۲ صفحه ۲۲ کتاب انگلیسی که در برگردان به فارسی حذف شده است.

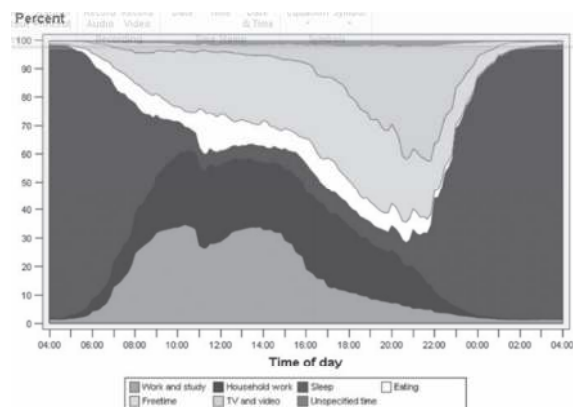
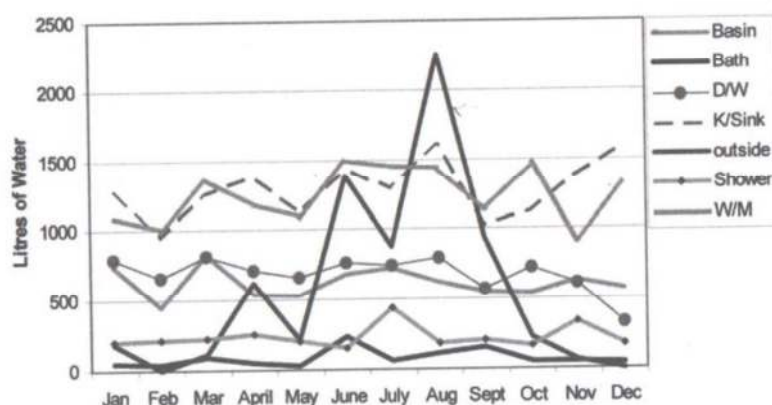


Figure 1.3 Time use, Finland, 2000. *Source:* Multinational Time Use Study, Version 5.5.2 (released 14 October 2005). Created by Jonathan Gershuny, Kimberly Fisher and Anne H. Gauthier, with Alyssa Borkosky, Anita Bortnik, Donna Dosman, Cara Fedick, Tyler Frederick, Sally Jones, Tingting Lu, Fiona Lui, Leslie MacRae, Berenice Monna, Monica Pauls, Cori Pawlak, Nuno Torres and Charlemaigne Victorino. ISER, University of Essex, Colchester, UK. <http://www.timeuse.org/mtus/> (accessed 31 March 2009).

شکل ۲. شکل ۱-۳ صفحه ۲۳ کتاب انگلیسی که در برگردان به فارسی حذف شده است.

در صفحه ۲۰ متن انگلیسی، عبارت two-person household (خانوار دونفره) وجود دارد که در صفحه ۴۶ کتاب فارسی به «دو خانوار» ترجمه شده است که این امر به بی‌معناشدن متن مربوطه و فهم ناصحیح شکل ۱-۱ منجر شده است، تاجایی که خود مترجم در بالای شکل ۱-۱ به حالت سؤالی نوشته است: «این شکل درست است؟».

شکل ۱.۱ استفاده از آب T10149 (یک خانوار دو نفره) در سال ۲۰۰۳. این شکل درست است؟



شکل ۳. شکل ۱-۱ کتاب ترجمه به فارسی که در بالای شکل برای مترجم این سؤال به وجود آمده که آیا شکل درست است.

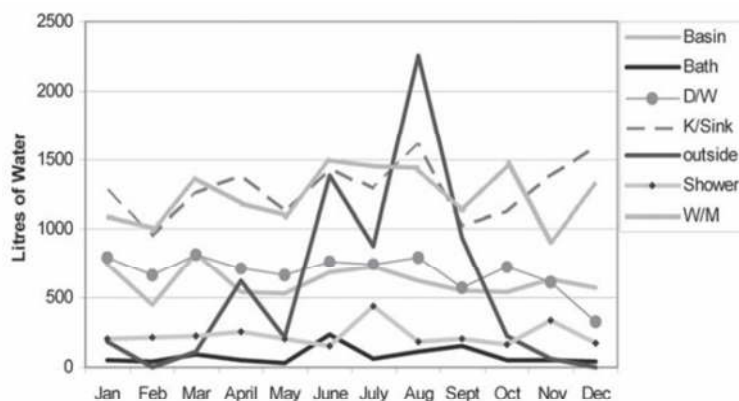


Figure 1.1 Water use of T10149 (a two-person household) in 2003. WC use not shown in graph. D/W = dishwasher; W/M = washing machine. Source: Anglian Golden 100. Thanks to Anglian Water for permission to use these data, which are based on micro-component studies of 100 households showing the use of each appliance recorded at 15-minute intervals.

شکل ۴. نمودار مصرف آب یک خانواده دو نفره در مکان‌های مختلف خانه در ماه‌های مختلف سال

در صفحه ۷۵ کتاب فارسی پس از برشمردن نام برخی نظریه‌پردازان بحث فضا - زمان اجتماعی نوشته شده است که دو شاخصه در گزارش‌های این نظریه‌پردازان وجود دارد که متأسفانه شاخص اول ترجمه نشده و از ترجمه حذف شده است. متن انگلیسی شاخص اول ترجمه نشده عبارت است از:

First, they usually, though not always, treat space-time as an objective phenomenon (Shove and et al. 2009: 36).

جمله فوق را می‌توان این‌گونه ترجمه کرد: «اول، این نظریه‌پردازان به‌طور معمول و نه همواره، با فضا - زمان به‌عنوان یک پدیده عینی برخورد کرده‌اند».

در صفحه ۶۷ متن انگلیسی، فصل چهارم با شعری با عنوان خاموشی (Blackout) از Hybrid در آلبوم (2003) Morning Sci-Fi آغاز می‌شود که در متن ترجمه شده اثری از این شهر وجود ندارد.

در فصل هفتم با عنوان «تقویم‌ها و ساعت‌ها؛ چرخه‌های تجارت گل‌کاری در آمریکای قرن نوزدهم» که در باب تقویم باغبانی و ارتباط آن با سرمایه‌داری است کلمه seed که در منبع اصلی به معنای بذر و دانه به غلط تخم ماهی و تخم‌ریزی ماهی ترجمه شده که به گنگ و بی‌معنی شدن برخی جملات این فصل منجر شده است. مثلاً در صفحه ۱۱۵ کتاب انگلیسی آمده است:

his first trawl through the seed catalogue.

که مترجم کتاب آن را به «نخستین تور ماهی‌گیری در کاتالوگ‌های تخم‌ریزی ماهی‌ها» برگردانده است که صحیح‌تر این بود که این‌گونه ترجمه شود: «نخستین تفحص او در میان کاتالوگ‌های بذرهای آماده»؛ همان‌طور که عنوان فصل نیز بیان می‌کند، اساساً بحث در مورد باغبانی و گل‌کاری است

در صفحه ۱۴۴ کتاب انگلیسی آمده است:

Both Durkheim and Weber associated habitual and unthinking routinized behavior with animals, and with primitive and traditional societies.

این جمله را مترجم در صفحه ۲۸۹ کتاب ترجمه شده به فارسی این‌گونه برگردانده است: «هم دورکیم و هم وبر به رفتارهای روزمره مبتذل و عادت‌ی با حیوانات در جوامع اولیه و سنتی پرداخته‌اند» که ترجمه صحیح جمله فوق این‌گونه است که «هم دورکیم و هم وبر رفتارهای عادت‌ی و امور روزانه غیرمتفکرانه را به دنیای حیوانات و به جوامع اولیه و سنتی مرتبط می‌کردند». اشکال ترجمه‌ای از این نوع که مورد قبلی را نیز شامل می‌شود

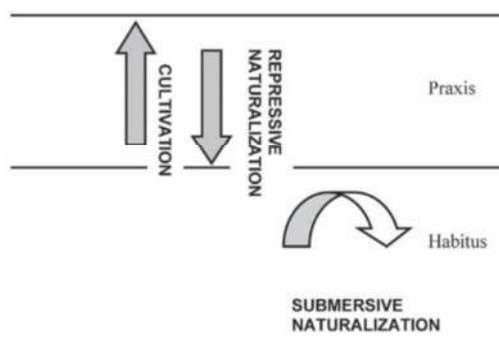
موردهایی هستند که نشان می‌دهد که مترجم گرفتار ترجمه‌گرفته‌برداری شده است که حاصل متنی غیرروشن است و در آن برخی جملات و کلمات ترجمه‌شده با کلیت هر مقاله سازگار نیست و بی‌معنی به نظر می‌رسند.

نیز در صفحه ۱۴۸ کتاب انگلیسی آمده است:

The pace of a habit seems to carry me long, like a jostling crowd.

ترجمه سلیس جمله فوق می‌تواند این‌گونه بیان شود: «به نظر می‌رسد آهنگ حرکتی یک عادت، همانند گیرافتادن در ازدحام‌های جمعیتی، بی‌اختیار مرا پیش می‌برد» که این جمله را مترجم این‌گونه برگردانده است: «آهنگ حرکتی یک عادت در امتداد من ادامه می‌یابد، درست مانند تنه‌زدن جمعیت به یک‌دیگر».

شکل ۹-۱ صفحه ۱۵۱ کتاب انگلیسی جزء مواردی است که در برگردان به فارسی نادیده گرفته شده است. این شکل، با توجه به اهمیت آن، با شماره ۵ در این نوشته مورد اشاره قرار می‌گیرد.



شکل ۵: مدلی از نحوه حرکت کردارها در داخل و خارج از بازتاب آگاهانه و عادی بودن روزانه

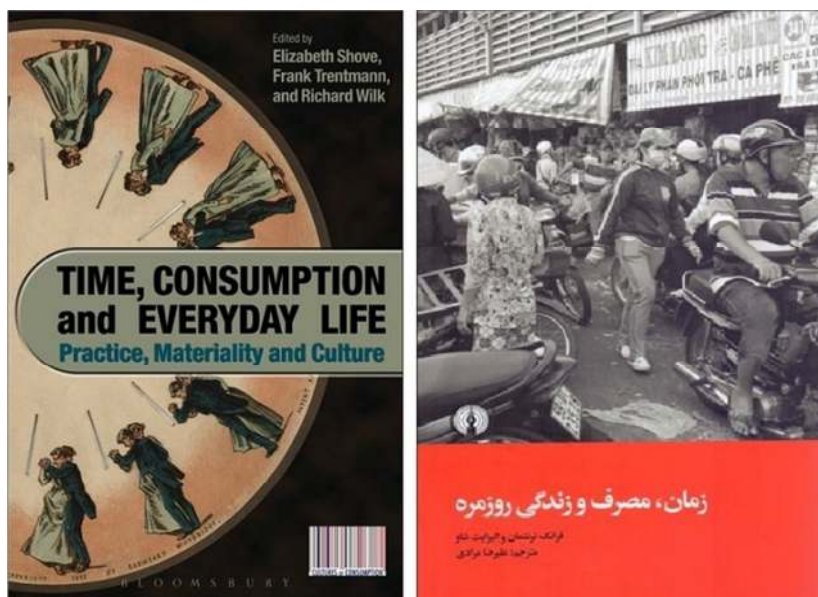
در صفحه ۳۷۷ کتاب به فارسی، با جمله «بسیاری از اشعار و آهنگ‌های محلی گریزهایی به رنگ، هوس‌رانی، و اجتماعی بودن چای دارند»، پس از دو نقطه لازم است که شعرهای موجود در صفحه ۱۹۲ کتاب انگلیسی آورده شوند که در ترجمه حذف شده‌اند.

ترجمه جمله (I) a These tea times are composed in and through sets of materials, idea and ways of doing (Shove and et al. 2009: 197) در صفحه ۳۸۵ کتاب فارسی بدین صورت انجام شده است: «این زمان‌های صرف چای شامل مجموعه‌ای از اصول، ایده‌ها، و

شیوه‌های انجام کار می‌شود» که در این جمله کلمه «اصول» معادلی برای کلمه انگلیسی materiality برگزیده شده که، با توجه به توضیحاتی که در ادامه متن آمده است، نشان می‌دهد که منظور از این کلمه ابزار و کالاهایی مانند لیوان و چای و وسایل چای‌سازی و... است، لذا بهتر بود کلمه‌ای مانند «کالا» به جای کلمه «اصول» انتخاب می‌شد.

درکل، ضمن ارج نهادن به انتخاب این کتاب برای برگرداندن به فارسی باید گفت ترجمه کنونی این کتاب بدین صورت نیازمند بازبینی اساسی در ترجمه و ویرایش محتوایی و فنی است.

تصویر روی جلد کتاب انگلیسی با الهام از ایده مقاله ریچارد ویلک طراحی شده است. ویلک بیان می‌کند که زندگی روزمره به‌نهایت مشکل خواهد بود، اگر ما عادات و امور معمولی را نداشتیم (شاو و دیگران ۱۳۹۷: ۲۹۵)؛ اموری که باعث می‌شوند ما پیچیده‌ترین امور را بدون تفکر آگاهانه انجام دهیم. زندگی معمولی رقصی موزون و نظم‌ی متوالی است. این رقص‌های پیچیده و ناخودآگاهانه برای حفظ بدن‌ها، خودِ خودمانی، خانواده‌ها، روابط اجتماعی، خانه‌ها، وسایل نقلیه، امور مالی، ارتباطات، و سلامت لازم هستند. این طرح جلد معنادار، همان‌گونه که در شکل ۶ نمایش داده شده، در طرح جلد ترجمه فارسی کنار گذاشته شده و طرحی دیگر انتخاب شده است.



شکل ۶. مقایسه طرح روی جلد کتاب انگلیسی و برگردان آن به فارسی

۵. بررسی و نقد محتوایی فصل‌های کتاب

لازم است اشاره شود که بنابه دلایل ایرادات ترجمه‌ای که در بخش قبل به برخی از آن‌ها پرداخته شد، جهت نقد و بررسی این کتاب از منبع اصلی به زبان انگلیسی نیز سود برده شده است. تنه اصلی این کتاب شامل چهارده مقاله از اندیشمندانی با علایق و زمینه‌های فکری بسیار متنوع از رشته‌هایی هم‌چون جامعه‌شناسی، جغرافیا، مدیریت، مردم‌شناسی، تاریخ، و... است که مروری بر عنوان مقالات و محتوای آن‌ها حکایت از مستقل بودن هر فصل (مقاله) از فصول دیگر دارد. لذا این امر توجیهی است به دو سطح بررسی؛ اول بررسی و نقد فصل به فصل و دوم بررسی و نقد کتاب در حالت کلی.

بخش اول با عنوان «زمان، فضا، و کردار» سه فصل اول کتاب را دربر می‌گیرد. مقالات این بخش عمدتاً درباب ماهیت زمان و فضا، رویکردهای موجود در مطالعه زمان و فضا، انواع زمان و فضا، رابطه زمان و فضا با سازمان زندگی اجتماعی، و بررسی ریتم‌های متغیر زمانی هستند. رویکرد نظریه کردار (practice theory) رویکرد مبنایی در تحلیل‌های کل کتاب و به‌ویژه مقالات این بخش است. هدف عمده این بخش تأکید بر متکثربودن زمان است. در فصول این بخش این تصور و برداشت که زمان در دوره سستی منظم، متعادل‌تر، و سالم‌تر بوده و در دوره مدرن دچار آشفتگی شده مورد تردید قرار گرفته است. به‌جای مفروض گرفتن یک چرخش متوالی از یک نظم زمان‌مند مختص دوره سستی به نظم زمان‌مند دیگر مربوط به دوره مدرن، این بخش کمک می‌کند تا هم‌زیستی تناوب‌های چندگانه‌ای نشان داده شود. هم‌چنین، این امر نشان داده شده است که خوردن و خوابیدن، کارکردن، و بسیاری دیگر از کردارهای روزمره به‌شکل معناداری از ریتم‌های متفاوتی پیروی می‌کنند که نمی‌توان آن‌ها را هم‌سو با شاخصی از توسعه و مدرنیته نظم داد. این تنوع در نظم‌دهی، توالی، و فراوانی کردارهای روزمره را نمی‌توان به تفاوت در طبقه، فرهنگ، شهری‌شدن، سازمان اقتصادی، یا مراحل انقلابی فروکاست.

فصل اول با عنوان «کردار روزمره و تولید و مصرف زمان» نوشته الیزابت شاو است. به‌نظر وی، دو رویکرد در بازنمایی و مفهوم‌پردازی زمان‌مندی‌های خرد و کلان زندگی روزانه وجود دارد که یکی بر مصرف زمان تأکید دارد و دیگری بر تولید زمان. براساس رویکرد اول زمان منبع کم‌یابی است که کردارها مصرفش می‌کنند و رویکرد دوم بدین معنی است که این ریتم‌های زندگی اجتماعی هستند که پایه طبقه‌بندی زمانی‌اند. شاو برای ارجاع به عرف‌های رایج پایدار، متوالی، و زمان‌بندی مرتبط با اجرای صحیح کردار از واژه «نیم‌رخ

زمان - کردار» (oractice-time profile) استفاده می‌کند. وی، برای نمودار کردن و تقسیم این نیم‌رخ‌ها، یا به عبارت ساده‌تر برای تبدیل شدن ترتیبات کوتاه‌مدت و نامناسب و استثنائی به هنجارها و ترتیبات معمولی به دو دلیل اشاره می‌کند:

۱. شتاب گرفتن جامعه و تجربه گسترده و روزافزون تعجیل و به‌سویه آمدن؛

۲. نیم‌رخ کردار - زمان فعالیت‌های خاص توسط یک‌دیگر با تلاش‌های قصدمند برای ساخت امور معمولی و عادات شکل و تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد.

نویسنده مقاله در ادامه به بحث هماهنگ‌سازی این نیم‌رخ‌ها در زندگی روزمره می‌پردازد که اشکال متنوعی را می‌توان برای آن بازشناخت. هماهنگی می‌تواند ریتم جمعی داشته و برای افرادی باشد که زندگی‌هایش را سازمان می‌دهند یا حالت ریتم فردی داشته باشد که نیازمند برنامه‌ریزی و مداخله‌های قصدمندتری هستند. اهمیت هر یک از این اشکال و رابطه بین آن‌ها تا حدودی به میزان کلی نیم‌رخ کردار - زمان درون هر جامعه و درون شیوه‌هایی بستگی دارد که در آن این دو هم‌دیگر را قطع می‌کنند. علی‌رغم فرسایش آشکار ریتم‌ها و برنامه‌های جمعی، گسترش روز (به‌مدد روشنائی‌ها)، و تکثیر حوادث مجزا، گسترش هماهنگ‌سازی‌های زمان‌مند اجتماعی هم‌چنان تأثیرگذارند.

تد شاتزکی (Ted Schatzki)، استاد فلسفه، در فصل دوم، «فضا - زمان و سازمان حیات اجتماعی»، به این تز می‌پردازد که درهم‌تنیده شدن فضا - زمان‌های فعال نوعی زیربنا را شکل می‌دهد که از طریق آن فعالیت‌های انسانی با هم هماهنگ و مترکم می‌شوند. به این دلیل که این فعالیت‌های هماهنگ و مترکم برای جامعه حیاتی هستند، این زیربنا برای حیات اجتماعی ضروری است. شاتزکی با مرور سریع بر نظریات مربوط به فضا و زمان و بیان ویژگی‌های عام آن‌ها، به پیروی از هایدگر، مفهوم فضا‌مندی (spatiality) خودش را خلق و از نظریه‌های دیگر متمایز می‌کند. فضا‌مندی شامل جهان پیرامون یک کنش‌گر با اقتضائاتش و درگیر شدن در فعالیت انسانی است. این جهان مربوط است به فعالیت انسانی و نیز درگیر در فعالیتی انسانی است که سکویی برای فعالیت‌های انسانی فراهم کرده و شامل موجودیت‌هایی که در آن فعالیت‌های انسانی قرار داده شده است. لذا، این فضا‌مندی شامل ردیفی از مکان‌ها و تمهید مسیرهای در موجودیت‌های مادی می‌شود. یک مکان مکانی است برای اجرای یک فعالیت خاص، درحالی‌که یک مسیر معبری برای عبور از یک مکان به مکان دیگر است. چنان‌که یک فرد تمام روزش را در آن‌جا بگذراند، او از طریق ردیفی از مکان‌ها و مسیرها عمل می‌کند که فعالیت‌های او و دیگران را هم بازتاب می‌دهد و تعیین می‌کند. افزون‌براین، مکان‌ها و مسیرها به ابژه‌هایی گره می‌خورند.

زمان‌مندی وجودی (existential temporality)، همان‌گونه که هایدگر آن را نام‌گذاری می‌کند، حاصل توالی نیست. زمان‌مندی وجودی به شکل بسیار خاص‌تری گذشته، اکنون، و آینده وجود انسانی است. برای اهداف حال وجود را می‌توان به‌مثابه فعالیت انسانی درک کرد. بنابراین، زمان‌مندی وجودی ابعاد گذشته، حال، و آینده فعالیت انسانی است. این ساختار را می‌توان به شیوه‌های آشناتری فرمول‌بندی کرد: بعد آینده فعالیت کنش‌ورزی برای یک فرجام است، درحالی‌که بعد گذشته آن کنش‌ورزی به‌واسطه چیزی است. آینده غایت‌شناسی است و گذشته انگیزش است. حال، خودش، کنش‌ورزی است. هم زمان‌مندی و هم فضا‌مندی فعالیت انسان پدیده‌ای غایت‌شناختی هستند. ساختار غایت‌شناسانه فعالیت انسان آینده فعالیت است و زمینه آرایش مکان-مسیر را فراهم می‌آورد. بنابراین، فعالیت‌های انسانی فضا-زمانی را بنیان می‌نهد و بار می‌آورد که ابعاد زمان‌مند و فضایی را ذاتاً به هم مرتبط می‌کند.

«نظم‌بندی دوباره ریتم‌های زمانی؛ هماهنگی کردارهای روزانه در بریتانیا از سال ۱۹۳۷ تا ۲۰۰۰» عنوان فصل سوم است. ساترتون (Dale Southerton)، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه منچستر، به پارادوکس احساس فشار زمانی در دوره معاصر ازسویی و شهادت داده‌ها به این‌که مردم نسبت به نسل‌های پیشین مدت‌زمان بیش‌تری در اختیار دارند اشاره دارد. این فصل به‌منظور ارائه گزارشی نظری از سازمان زمان‌مند درحال تغییر زندگی روزمره تلاش می‌کند یک روز از زندگی را از دفتر خاطراتی که در سال ۱۹۳۷ نوشته شده است استخراج کند و آن را در رابطه با داده‌های جمع‌آوری‌شده در پروژه‌های پژوهشی که در سال ۲۰۰۰ آغاز شده‌اند تحلیل کند. رویکرد تحلیلی تجربه‌محوری که بر شرایط زمان‌مند آن‌چه مردم انجام می‌دهند متمرکز می‌شود، برای هر دو مجموعه از داده‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بحث مربوط به داده‌ها به‌واسطه مرور مختصری از یافته‌های کلیدی از طرح پژوهشی معاصر دنبال می‌شود. سپس «یک روز از زندگی» دفتر خاطرات در رابطه با چهار مقوله مورد بحث قرار گرفته است: ریتم‌های زمان‌مند، مذاکره با زمان، روابط، و تجربیات زمان‌مند. در مجموع، بحث می‌شود مکانیسم‌هایی که زمان‌مندی‌ها را در سال ۲۰۰۰ سازمان می‌دهد شباهت زیادی با مکانیسم‌های سازمان زمان‌مند در سال ۱۹۳۷ دارد. در طول این سال‌ها آنچه تغییر کرده است تحلیل رفتن روی داده‌های زمانی است که از لحاظ نهادی دیگر چندان با ریتم‌های زمان‌مند زندگی روزمره‌ای هم‌چون ریتم‌های هماهنگی جمعی کردارها تعیین نمی‌شوند، به‌ویژه کردارهایی که به روابط بین فردی مرتبط شده است. در سال ۲۰۰۰، هماهنگی فردی کردارها چالش‌هایی بنیادین در زندگی

روزمره ایجاد کرده است؛ چالشی که در دفتر خاطرات سال ۱۹۳۷ غایب است (شاو ۱۳۹۷: ۱۰۸، ۱۰۹).

در بخش دوم کتاب با عنوان «سرعت و مقیاس: نظم زمان‌مند و اختلال» (Pace and Scale: temporal order and disruption)، طی فصول ۴ تا ۶، به این موضع پرداخته شده است که اختلالات، چه در زندگی فرد و چه در جامعه، جزء امور عادی و اجتناب‌ناپذیر بوده و هم‌چنین به سازوکارهای برخورد با اختلالات اشاره شده است. برای معادل فارسی کلمه pace به نظر بهتر بود مترجم کتاب به جای کلمه سرعت از کلمه آهنگ‌حرکتی که گویاتر است استفاده می‌کرد. البته، در فصل نهم کتاب این کار صورت گرفته است. امور معمولی زندگی روزمره همواره در موقعیت اتویپایی پیش نمی‌رود و همواره شرایط و موانعی فردی و اجتماعی اجرای بی‌کم‌وکاست این امور را ناگهان با سختی مواجه می‌کنند. یا شرایط و محدودیت‌هایی وجود دارند و افراد با حضور در موقعیت‌های چالشی مانند سفرهای روزانه به‌نوعی امور معمولی خود را پیش می‌برند.

عنوان فصل چهارم «اختلال امری عادی است: خاموشی‌ها، ازکارافتادگی‌ها، و انعطاف‌پذیری زندگی روزمره» (Disruption is Normal: blackouts, breakdowns and the Elasticity of everyday life)، به قلم فرانک ترنتمان، استاد تاریخ در دانشگاه لندن با تخصص ویژه در تاریخ مصرف، بوده است که در آن برای شرح ماهیت تنش‌آمیز و شکننده زندگی روزمره به موضوع اختلال می‌پردازد. به عبارتی، ازکارافتادگی‌ها و کمبودها خصیصه عادی (regular) زندگی روزمره هستند و حتی ما به‌عنوان هزینه زیستن به سبک زندگی خاصی، با اختیار و به‌گزینش خودمان، اختلال را انتخاب می‌کنیم. مانند اختلال حاصل از ترافیک، که هزینه انتخاب فعالیت‌های اوقات فراغت و فعالیت‌های خانوادگی است. نکته اساسی این است که با حرکت جوامع از سنتی به مدرن اختلالات نه تنها کاهش نیافته، حتی با وابستگی متقابل و روبه‌رشد سبک‌های زندگی به نظام‌های تکنولوژیکی، جوامع معاصر نسبت به قبل بیش‌تر مستعد اختلال شده‌اند. اما اختلال به معنای بی‌نظمی نیست، بلکه با بروز اختلال، ریتم‌های جدید و ویژه مختص این شرایط ظهور می‌یابند و کارهایی که برای ادامه روند لازم است دوباره با نظم خاصی کنار یک‌دیگر جفت‌وجور می‌شوند. در ادامه فصل، به بحث انواع و اندازه اختلال، بحران‌ها به‌عنوان نوعی از اختلال، نحوه سروکله‌زدن مردم با آن و واکنش به آن، و این‌که چگونه و چه میزان ریتم‌های زندگی روزمره را، در درازمدت و کوتاه‌مدت، دگرگون می‌سازند پرداخته شده است.

در صفحه ۱۴۱ کتاب، مطالعات مربوط به کنش‌گر- شبکه تنها در یک پاراگراف مورد اشاره قرار گرفته که این امر حاکی از آشنایی نویسنده با نظریات موجود در این باره است. اما ترنتمان به همین اشاره جزئی اکتفا کرده و در پی غنای بیش‌تر کارش با سودجستن از نظریات کنش‌گر- شبکه برنیامده است. نظریه کنش‌گر- شبکه با مفاهیم بدیع مانند جعبه‌سیاه‌ها، پیوندها، واسطه‌ها، ترجمه، منازعه و مذاکره، و بازتعریف ماهیت کنش‌گران در باب اختلافات می‌تواند روشن‌گر باشد. جعبه‌سیاه‌ها موجوداتی بدیعی، مسلم، قابل اعتماد، و غیرقابل مناقشه‌اند... آن‌ها در واقع محصول نهایی یک پیوند مستحکم هستند (شریف‌زاده ۱۳۹۷: ۱۱۱). جعبه‌سیاه‌ها محصول مذاکرات و ترجمه‌ها هستند، اما در مواقع بحرانی بدهت خود را از دست می‌دهند و شکل‌گیری پیوندهای جدید فرایندی از مذاکرات را می‌طلبد که نهایتاً ماهیت کنش‌گران بازتعریف می‌شود.

تام اودل (Tom O'dell) استاد گروه مدیریت خدمات در دانشگاه لاند (Lund University) است. وی در فصل پنجم به اهمیت و ویژگی‌های امور معمولی زندگی پرداخته است. امور روزمره به دلیل کسل‌کننده و بدیعی بودن تاکنون چندان مورد توجه اندیشمندان نبوده است؛ چراکه اینان عمدتاً در پی موضوعات درام (مسئله‌مند) هستند و تمایلی به امر غیردراماتیک (the undramatic) ندارند. هال (Edward T. Hall) از جاگیری امور روزانه در هستی بیولوژیکی ما صحبت می‌کند. اودل تأکید می‌کند که شعائر و ریتم‌های فعالیت‌هایی که ما با آن‌ها سروکار داریم، به لحاظ ژنتیکی به ارث نمی‌رسند یا انتقال نمی‌یابند. برعکس، این شعائر و ریتم‌ها، در حالی که ممکن است کنش‌هایی تولید کنند که تقریباً غریزی به نظر می‌رسند، کاملاً فرهنگی هستند (شاو ۱۳۹۷: ۱۷۶). وی با الهام از دسرتو (Michel de Certeau) از وزن طاقت‌فرسا و خردکننده ساختار صحبت می‌کند؛ چراکه مردم دقیقاً به همان شیوه هرروزه درگیر امور معمولی هستند. اودل در این مقاله، در بین امور معمولی، توجه خود را بر «سفرهای روزانه» (commute) متمرکز می‌کند و سعی در توصیف ویژگی‌های فرهنگی این نوع از حرکت‌ها دارد. جهت این سفرها، این‌که از خانه به سر کار باشد یا از سر کار به خانه، از لحاظ آیینی متفاوت با هم هستند. اولی نوعی آمادگی برای کارکردن است و دومی از نظر عاطفی یک سفر آهسته‌تر است. افراد به‌هنگام سفر با وسایل حمل‌ونقل عمومی با افزایش حریم‌ها و مستقرکردن فضاهای فردی در این وسایل به نام‌شخص شدن خط تفکیک‌کننده فضاهای عمومی از خصوصی منجر شده‌اند. به‌خصوص تلفن همراه در بی‌ثبات کردن مرز بین حوزه عمومی و خصوصی نقش بسیار کلیدی دارد.

این فصل را از جهاتی می‌توان مکمل مباحث بخش اول، به‌خصوص فصل دوم این کتاب، دانست که در آن‌جا به تمایز مکان و مسیرها پرداخته شده است. مکان‌جایی است برای اجرای یک فعالیت خاص، درحالی‌که مسیر معبری است برای عبور از یک مکان به مکان دیگر. مباحث این فصل درحقیقت توصیف زندگی کردن در مسیر است. این ایده که در مسیر نیز فعالیت‌های مربوط به مکان مانند انجام تکالیف درسی در مترو اجرا می‌شوند، تمایز بین مکان و مسیر مطرح شده در فصل دوم را به‌چالش می‌کشد.

از جمله نقدهای اساسی که به این کتاب و به‌خصوص به این مقاله می‌توان وارد کرد عدم استفاده از رویکردهای متداول علوم اجتماعی مانند نظریات خودانضباطی و رویکردهای اقتصاد سیاسی است. لحاظ نظریات افرادی مانند فوکو (Michel Foucault)، دولوز (Gilles Deleuze)، و گاتاری (Felix Guattari)، هانری لوفور، تئودر آدرنو (Theodor Adorno)، یورگن هابرماس (Jurgen Habermas)، رولان باروت (Roland Barthes)، و دیگران مطالب گفته‌شده در این فصل را که بیش‌تر در حد توصیف مانده‌اند می‌تواند به مرحله تبیین و کنش‌گری برساند.

فصل ششم با عنوان «امور معمولی - ساختن و ویران کردن» (Routines- Made and Unmade) به جریان زیرین کلان امور معمولی توجه می‌کند که ریتم‌ها و زمان‌مندی‌های مربوط به زندگی روزمره را می‌سازند و به‌ندرت ذکر می‌شوند یا انعکاس می‌یابند. امور معمولی را می‌توان به‌مثابه ابزاری برای سازمان‌دهی جریان زمان و در این فرایند، خلق ریتم‌ها و الگوهای زمان‌مند با استفاده از ترتیب‌گذاری و هم‌زمانی در نظر گرفت. هم‌چنین، این امور را می‌توان به‌مثابه نظام‌نامه‌ای برای آن‌چه در زندگی روزمره انجام می‌شود در نظر گرفت. امور معمولی چیزی بیش از تکنیکی برای زنده‌ماندن هستند. این امور حوزه‌ای فرهنگی سرشار از تنش‌ها و پارادوکس‌ها را شکل می‌دهند. برخی از این پارادوکس‌ها عبارت‌اند از:

- امور معمولی به‌عنوان زندانی خودساخته از عادات غیرمنعطف و دیرینه یا به‌مثابه ساختار حکایتی مفید که امنیت و قابلیت پیشینی را پیش‌نهاد می‌کند.
- این‌که این امور کنش‌هایی آگاهانه‌اند یا واکنش‌هایی غیرارادی که نیازی به تفکر ندارند.
- امور معمولی به‌مثابه الگوهای جمعی و فرهنگی که در تقابل با امور معمولی به‌شدت فردی‌اند.

نویسندگان این مقاله اروار لوفرن (Orvar Lofgren) و بیلی ان (Billy Ehn)، در جایگاه مردم‌شناس، در قسمتی از مقاله خود شرایطی را توصیف می‌کنند که در آن افرادی با دارا بودن شکل‌های متنوع امور معمولی مجبور به تعامل می‌شوند. مانند ازدواج کردن که طی آن زوجین در موقعیت «امور معمولی من در برابر عادات بد تو» قرار می‌گیرند و نوعی «رزمگاه فرهنگی» (cultural battleground) ایجاد می‌شود. این نویسندگان هم‌چنین به شرایطی اشاره می‌کنند که در آن بر اثر کار بیش از حد و ازدیاد عواطف و احساسات به نوعی از فروپاشی منجر می‌شود و امور معمولی و عادات قدیمی و نیز تکنولوژی‌هایی که به وسیله آن‌ها مردم با تعداد بی‌شماری از وظایف و تصمیمات در زندگی روزمره سروکار داشتند، همه آن‌ها به زودی از کار می‌افتند. هماهنگی زندگی به هم می‌خورد، عادات محتوای خود را از دست می‌دهند، و بی‌معنا می‌شوند. در این شرایط مردم اغلب تغییر بسیار دراماتیکی در رابطه با آهنگ حرکت تجربه می‌کنند. علاوه بر این فروپاشی‌های فردی، فروپاشی‌های جمعی نیز مانند وقوع جنگ‌ها و بحران‌ها به ازکارافتادگی‌های دراماتیکی‌تری در ریتم‌های روزمره و امور معمولی منجر می‌شوند.

اما نکته‌ای که حائز اهمیت است این‌که ازکارافتادگی امور معمولی روزمره این‌گونه نیست که تنها فلج‌کننده باشند، بلکه فرصتی برای تفکر مجدد و شناخت دوباره زندگی را به ما می‌دهد. این بعد خلاقانه و اثرگذار ازکارافتادگی در این مقاله تنها در حد اشاره چندخطی مانده است.

بخش سوم که دربرگیرنده مقالات ۷، ۸، و ۹ است به ضرب‌آهنگ‌ها، الگوها، و چرخه‌های زمان‌مند مصرف پرداخته است.

جوکا گرونو (Jukka Gronow) استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه اوپسلاست که در حوزه «مصرف، ذائقه، و سبک» کار می‌کند. مقاله هشتم این کتاب با عنوان «هوس‌ها (fad)، مدها (fashion)، و ابداعات واقعی (real innovation): چیزهای تازه و تغییرات اجتماعی» از اوست. وی مد را چیزی جدید و یک ابداع می‌داند که به اغواکنندگی مشتریان منجر می‌شود. گرونو پس از توضیحاتی در باب قلمرو، سرعت، چرخه‌های تکرار، قدرت الزام‌آوری، خود - پویایی (این‌که هیچ قاعده‌ای در الزام‌آور ساختن آن به‌غیر از خود مد وجود ندارد)، و مقاومت در برابر مد به دو دسته تبیین‌گرایش به مد اشاره می‌کند. اولی در مباحث جامعه‌شناختی ملهم از نظریه پرداز کلاسیک، جورج زیمل، عمدتاً از نقطه نظر ریشه‌های اجتماعی، نقش‌ها، و معانی فرهنگی آن تحلیل شده است. ریشه اجتماعی در فرایند دوگانه تمایز و هویت‌یابی اجتماعی قرار دارد. دوم، براساس توصیفات جوزف

شومپیتر دگرگونی در یک ابداع تا تبدیل شدن به یک نوآوری و اشاعه اجتماعی آن از مسیر مشابهی برای آن پیروی می‌کند: از مبتکران اندک آن در ابتدا به اقتباس‌گران اولیه و سپس به اقتباس‌گران ثانویه و سرانجام به عقب‌ماندگان نوآوری انتشار می‌یابد، تازمانی که نوآوری به طیف کلی جامعه یا بیش‌تر بخش‌های آن نفوذ کند. شومپیتر عمدتاً به این فرایند اجتماعی علاقه‌مند بود، به این صورت که به‌نظر وی، پیش‌روان ریسک‌پذیر نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند.

گرونیو در مقاله خود برای بیان ارتباط مد و نوآوری از نظر شومپیتر استفاده می‌کند. آنچه نوآوری را از مد متمایز می‌سازد، نمی‌توان در ماهیت تکنیکی یا اقتصادی یا پیچیدگی چیزهای جدید یافت، بلکه در ماهیت تغییراتی اجتماعی یافت می‌شوند که این چیزهای تازه آغاز می‌کنند یا حتی احتمال آغاز شدن آن می‌رود. درحالی‌که طرح «مد روز» چیزی نسبتاً بی‌ضرر یا مبتذل است و تقریباً در هر لحظه‌ای که وارد می‌شود بدون هیچ‌گونه نشانی از صحنه اجتماعی محو می‌شود، نوآوری موردنظر شومپیتر، به‌مثابه یک قاعده، پابرجا باقی می‌ماند. نوآوری‌ها با حضورشان تفاوتی واقعی ایجاد می‌کنند. تفاوت‌های تکنیکی یا صرفاً اقتصادی را نمی‌توان به‌عنوان تبیینی مناسب به‌کار برد.

در قسمتی دیگر از مقاله به هوس و تمایز آن با مد می‌پردازد و شرح می‌دهد که هوس پدیده‌ای است که رواج آن در بین کودکان بیش‌تر از بزرگ‌سالان است؛ به‌ندرت نیازمند ابداعات تکنیکی بزرگ است و با مصرف‌کنندگان هم‌چون طوفان برخورد می‌کند و تقریباً به‌صورت شبانه آن‌ها را تسخیر می‌کند، اما همانند مد، بعد از تسخیر، با همان سرعتی که می‌آید و ظاهر می‌شود با همان سرعت ناپدید می‌شود. هوس‌ها به‌مثابه یک قاعده هیچ‌گونه ردپایی دائمی در فرهنگ انسانی به‌جا نمی‌گذارند.

در فصل نهم، «لبه عاملیت: امور معمولی، عادات، و اراده» (The Edge of Agency)، ریچارد ویلک، استاد انسان‌شناسی و مطالعات جنسیت در دانشگاه ایندیانا، به این موضوع پرداخته است که آیا امور معمولی محصول اراده ما هستند یا الگوهایی که توسط شرایط و قدرت دیگران بر ما تحمیل می‌شوند. با شروع مدرنیته این فکر شکل گرفت که مدرنیته به رهایی انسان از امور معمولی و بردگی عادات منجر خواهد شد و زندگی بر مبنای ابتکار و انتخاب‌ها محاسبه خواهد شد. اما در عمل این نظر شکل گرفت که مدرنیته به فقدان آزادی و فشار زمانی منجر شده که احتمالاً نتیجه عقلانیت بوده و برای فرد و جامعه دردناک است. بنابراین، ما دو روایت فایده‌گرایانه (مدرنیته باعث رها شدن ما از کارهای پرحمت شده است) و روایت رمانتیک (در دوره سنتی ما دراصل آزاد بودیم، جامعه صنعتی ما را به‌دام

انداخته است) از مدرنیته داریم. یکی از شیوه‌هایی که نظریه‌پردازان تلاش می‌کنند تا این داستان‌های متضاد را با هم سازگار کنند این است که دو نوع زمان را مفروض می‌گیرند؛ یعنی آنچه لفور «زمان مکانیکی متشابه» (homogenous mechanical time) صنعت و «چرخه‌های ریتمیک» (rhythmic cycles) طبیعت و کیهان می‌نامد. البته، این بازتابی از بسیاری از دوگانگی‌های دیگر است. زمان خطی در برابر زمان چرخه‌ای، هم‌زمانی در تقابل با درزمانی، ساختار در تقابل با تاریخ، گرم در تقابل با سرد است که تلاش دارد برخی از تفاوت‌های بنیادین بین تجربیات مدرن و پیشامدرن از زمان را بیان کند. انواع و ابعاد بیش‌تری از زمان وجود دارد که می‌توان به واسطهٔ دوگانگی واحد یا کلیت انقلابی تسخیر کرد.

یکی از ایرادات اساسی وارد به این فصل مقدمه و بیان مسئلهٔ طولانی است که نصف مقاله را دربر گرفته است و ایراد اساسی‌تر دیگر این که آن‌گاه که ویلک می‌خواهد به تحلیل پردازد، کلاً مرجع داده‌های تحلیل و مفاهیمش مقاله‌ای دیگر، خارج از این کتاب، یعنی «به‌سوی باستان‌شناسی نیازها» (Towards an Archaeology of Needs 2001) است؛ یعنی خواننده بدون آمادگی ذهنی به‌ناگاه وارد فضای تحلیلی می‌شود که مربوط به فضای دیگری است.

بخش چهارم نیز شامل فصل‌های ده تا چهارده کتاب است که زمان‌مندی کالاها را موردبررسی قرار می‌دهد.

در فصل دهم کتاب با عنوان «خرید زمان» (Buying Time)، دانیل میلر (Daniel Miller)، استاد مطالعات فرهنگ مادی در گروه انسان‌شناسی دانشگاه کالج لندن، به این موضوع می‌پردازد که یکی از جدی‌ترین ابعاد رابطهٔ بین زمان و مصرف وضعیت‌هایی است که تحت آن به‌معنایی می‌توانیم زمان بخریم. این فصل به مطالعهٔ دو نمونه از پدیدهٔ خرید زمان می‌پردازد؛ یعنی پدیدهٔ «جین‌های کهنه‌نماشده» (denim blue jeans) و دیگری «تجارت عتیقه» (patina of the past). گفتنی است که واژهٔ «کهنه‌نما» برای اصطلاح denim blue jeans انتخاب نویسندگان این مقاله است و مترجم برای این اصطلاح از عباراتی هم‌چون جین‌های تنگ، مستعمل، ریش‌ریش‌شده استفاده کرده است.

میلر در تحلیل تمایل به کهنه‌نماپوشی آن را در سایهٔ سایر اشکال دگرگونی دانسته، سبک زندگی هیپی را که خواستار آزادی فردی، آزمایش‌گری، و انکار مستقیم هم‌نوایی بود مؤثر دانسته است. این حس به لباس‌های جین آبی پیوند می‌خورد. لباس جین این ویژگی را داراست که با شیوهٔ زندگی فرد هماهنگ می‌شود و قالب می‌گیرد. این روابط فردی با

لباس جین به‌وضوح آن چیزی است که تجارت تلاش داشته است تا آن را تکرار کند و از طریق کهنه‌نماکردن آن را به‌قبضه خود درآورد.

«ریتیم‌های فصلی و تجاری مصرف خانگی؛ مطالعه موردی ژاپن» (Seasonal and Commercial Rhythms of Domestic Consumption: A Japanese Case Study) عنوان فصل یازدهم است که اینگه دانیلز (Inge Daniels) آن را به‌نگارش درآورده است. در این فصل دانیلز با شرح این‌که چگونه تجارت می‌تواند واقعاً نیروی فعالی در تسهیل‌سازی و نیز نیروبخشی به کردارهای روحانی متعدد باشد، این استدلال را پیش می‌برد که کالایی‌شدن در مذهب ژاپنی، دست‌رسی همه‌گیر، و نیز تعاملات بین‌فردی با خداپسندان در خانه را میسر می‌کند و قدرت روحانی را کم‌اثر می‌کند. دانش آیینی که به روی‌دادهای سالانه خاصی نفوذ کرده است و سابقاً از طریق اجتماعات محلی و خانواده‌های گسترده انتقال می‌یافت امروزه توسط مشاغل تجاری مثل شرکت‌های مراسم کفن‌و‌دفن و عروسی و نیز تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان مطبوعات مشاوره‌ای مدیریت می‌شود. افزون‌براین، تجار محلی از طریق نوآوری و ترویج کالاهای مبتکرانه قادرند، نه تنها خودشان را با ریتیم‌های خانگی مصرف‌سازگار و تنظیم‌کنند، بلکه به‌شکل موفقیت‌آمیزی می‌توانند آن را هدایت کنند. چرخه‌های زندگی کالاها در خانه به‌شکل نزدیکی به ریتیم‌های فضایی و زمان‌مند مرتبط می‌شوند، زندگی‌نامه آنان گمان می‌شود که به‌شکل مستقیمی از اصول هستی‌شناسانه کلان‌تری متأثر می‌شود.

فصل دوازدهم کار مشترکی است از گولیز گر (Guliz Ger) و اولگا کراوتز (Olga Kravets) با عنوان «زمان‌های خاص و معمولی؛ چای‌خوردن درحین حرکت» (Special and Ordinary Time: Tea in Motion). این فصل به بحث می‌پردازد که چگونه یک کردار معمولی مانند نوشیدن چای یک زمان خاص را به‌وجود می‌آورد و فی‌نفسه به ابژه چنین زمانی تبدیل می‌شود؟

توضیحاتی که نویسندگان درباب نقش چای در جامعه ترکیه ارائه کرده‌اند مشابه نقش و جایگاه چای در کشور ما نیز است. به‌علت گرایش توده مردم به چای‌نوشیدن، چای به بخش مهمی از زندگی روزمره مردم با شیوه‌های خاص درست‌کردن و نوشیدن چای سیاه و شیوه‌های فرهنگی خاص فکرکردن و مرتبط‌شدن با آن تبدیل شده است. نویسندگان در این مقاله به تأثیر چای کیسه‌ای، به‌عنوان نتیجه‌گیرینا‌پذیر توسعه تکنولوژی، می‌پردازند. در سال‌های اخیر، دست‌رسی بسیار گسترده به قوری‌های الکتریکی و چای کیسه‌ای برخی تغییرات جالب توجه در کردارهای نوشیدن چای در ترکیه ایجاد کرده است. استدلال گر و

کراوتر این است که آنچه چنین تغییراتی را موجب می‌شود صرفاً اصول و گفتمان‌های جدید حول استفاده از جای نیست، بلکه زمان‌مندی‌هایی است که چنین اصولی بدان دلالت دارند.

۶. بررسی و نقد محتوایی کلی کتاب

در نقد این کتاب، در وهله نخست باید به این نکته اشاره کرد که مقالات این کتاب با پرداختن به مجموعه متنوعی از موضوعات، که البته در کشور ما بازار مباحثه چندان گرمی ندارد، می‌تواند فتح بابی باشد در طرح مسئله برای پژوهش‌گران و دانشجویان. مباحث جذاب مقالات کتاب الهام‌بخش عناوینی برای انجام رساله‌های دانشگاهی است. موضوعاتی که در زندگی روزمره ما نقش مهم و حیاتی دارند، اما به‌علت بدیهی بودن و برخورد همه‌روزه ما با این موضوعات آن‌ها را نادیده می‌گیریم و همان‌طور که الیزابت شاو می‌گوید امور معمولی از جمله موضوعاتی هستند که گرفتار «درام بی‌درام» (the drama of the undramatic) هستند. اصطلاح «درام بی‌درام» را مترجم کتاب انتخاب کرده است که به‌نظر می‌رسد به‌جای آن می‌توان از اصطلاح «دراماتیک بودن امر غیردراماتیک» استفاده کرد که گویاتر به‌نظر می‌رسد. نمایش اهمیت امور روزمره برای انجام پژوهش یکی از ویژگی‌های برجسته این کتاب است.

در بررسی انسجام درونی و این‌که آیا فصول این کتاب ارتباط ارگانیک با هم‌دیگر دارند یا نه، باید گفت هرچند بنابه ادعای ویراستاران در پیش‌درآمد کتاب موضوع مهم این کتاب فرایندهای تولید و استفاده از زمان است، فصول این کتاب به‌نظر می‌رسد بیش‌تر اشتراک کلی در حوزه پژوهشی دارند تا اشتراک در یک مسئله مشخص. موضوعات متنوع درباب زندگی روزمره، زمان‌مندی، مصرف، و... یکی پس از دیگری مطرح می‌شوند، بدون مشخص بودن یک مسئله کلی که کتاب به‌دنبال آن باشد و اندیشمندان با گرایش‌های متنوع بخواهند بدان پاسخ دهند. لذا، می‌توان گفت کتاب انسجام درونی چندانی ندارد. از نظر ارتباط مقالات این اثر با یک‌دیگر، بیش‌تر حس مجمع‌الجزایری بودن القا می‌شود. به‌عبارت ساده‌تر، هرچند هریک از مقالات کتاب به‌دنبال پاسخ به یک سؤال مشخص است، سؤال اصلی که تمامی مقالات به‌دنبال آن باشند وجود ندارد، سؤالی که می‌توانست به ارتباط مقالات کتاب با یک‌دیگر منجر باشند. البته گفتنی است این عدم انسجام درونی مقالات ایراد برای این کتاب محسوب نمی‌شود؛ چراکه اساساً ویژگی کتاب‌های ویرایشی این‌گونه است. دانستن این ویژگی به‌خصوص در تصمیمات آموزشی و انتخاب این کتاب به‌عنوان

منبع درسی اهمیت می‌یابد که مباحث کلاس‌های درسی عموماً آرگانیک و نیازمند یک انسجام درونی هدف‌مندند. این خصوصیت این مزیت را دارد که می‌توان هریک از مقالات را بدون نیاز به مطالعه دیگر مقالات و بدون رعایت توالی مقالات مطالعه کرد.

مطالعه مقالات این اثر نشان می‌دهند که اغلب مقالات اثر نیز بیش‌تر شبیه ویتروینی از کارهای نویسندگانشان است که برای درک تبیین نظری بیش‌تر باید به منابع دیگرشان و خارج از کتاب رجوع کرد. و ارجاع صرف به نوشته‌های این اثر دید ناقصی را ارائه می‌دهند. مقالات کتاب نه به دنبال یک ساختار کلی درکنار هم هستند و نه توان ایفای تبیین کامل از موضوعی را که طرح کرده‌اند و ارائه حداقلی از تبیین را دارند. مثلاً در فصل دوم، تدشترکی از مفاهیم نظریه کردار سود می‌برد که برای روشن‌شدن منظور از این مفاهیم به سه مقاله قبلی خود ارجاع می‌دهد. در فصل نُه و یلک تحلیلی ارائه می‌دهد که گویا ادامه مقاله‌ای است که شش سال قبل‌تر نوشته است که باز در ارزیابی این اثر به‌عنوان منبع درسی این ویژگی را باید لحاظ کرد.

از محورهای اساسی مورد تحلیل این کتاب زندگی روزمره است. مسلماً براساس رویکردها و سطوح تحلیلی متنوعی می‌توان زندگی روزمره و ماهیت گوناگون زمان را موردتبیین قرار داد، اما در این کتاب بسیاری از رویکردها و دیدگاه‌ها به‌فراموشی سپرده شده‌اند. در این میان، رویکردهای تبارشناسی و اقتصاد سیاسی از مهم‌ترین و رایج‌ترین دیدگاه‌های تبیینی غایب‌اند.

نظریات خودانضباطی دربین رویکردهای معاصر یکی از معتبرترین و جاافتاده‌ترین تبیین‌ها را ارائه می‌دهند، اما در سراسر کتاب کوچک‌ترین اشاره‌ای به این نظریات و سردمداران این رویکرد مانند فوکو، دریدا، و گاتاری نشده است. نوربرت الیاس (Norbert Elias) معتقد است که انجام امور معمولی زندگی و ریتم‌های مرتبط با آن‌ها طی «فرایند تمدن» از حالت اجباری بودن به‌سوی اختیار و خودخواسته‌بودن و خودکنترلی میل می‌کند. عقلانی‌شدن و شرم و انزجار، به‌عنوان شاخص‌های تعیین‌کننده برای فرایند تمدن در روان انسان غربی، به‌تدریج شکل می‌گیرد. شرم به‌عنوان یک محرک هیجانی و نوعی از تنزل اجتماعی و طعنه‌های تحقیرکننده دیگران به‌گونه‌ای خودکار و عادت‌گونه در شرایط تخطی از ممنوعیت‌های اجتماعی در فرد بازتولید می‌شود (الیاس ۱۳۹۵: ۳۵۹). الیاس به‌طور کلی قابلیت اکتسابی «خودتنظیمی» (self regulation) و «خودکنترلی» (self control) را از پایه‌های اساسی تمدن غرب می‌داند (الیاس ۱۳۷۷: ۲۱۱). در دوران مدرن شرم و انزجار نقش‌های کلیدی در مصرف و گرایش به مد دارد.

فوکو در کتاب *انضباط و تنبیه اجبار غالب و منطقی* برای به‌هنجارکردن افراد و برای تنبیه و اصلاح کژروی‌ها را موردتحلیل و بررسی قرار می‌دهد. انضباط به یک رشته از روش‌ها یا فنون مشاهده، ارزیابی، آموزش، و جهت‌دهی به افراد اشاره دارد. فوکو دریافت که این روش‌ها به‌شکل گسترده‌ای در ارتش، مدارس، و صومعه‌ها، یعنی مکان‌هایی که عمل افراد برحسب خواست فرد دیگری جهت‌دهی می‌شود، به‌کار می‌رود. دانش عملی دربارهٔ ظرفیت‌ها و قابلیت اصلاح‌پذیری که در این‌گونه نهادها گردآوری و تنظیم شده بود به‌وضوح بیان‌گر رابطه‌ای بین علوم انسانی و سلطه است. باوجوداین، نکته‌ای که فوکو در تمام طول کتاب بر آن تأکید دارد آن است که انضباط براساس عمل فرد اعمال می‌شود و دربرگیرندهٔ خواست فرد برای به‌اجرا درآمدن آن است (استونز ۱۳۸۱: ۳۸۶). فوکو به ما می‌گوید که قدرت نه از بالا و توسط گروه غالب بلکه از پایین جریان می‌یابد. از آن‌جاکه قدرت در گفتمان‌ها و هنجارهایی که بخشی از عملکردها، عادات، و کنش‌ها در تمامی لحظات زندگی روزمرهٔ ما جاسازی شده است و در همه‌جا حضور دارد، لذا ما همگی حامل قدرت هستیم.

اقتصاد سیاسی از دیگر رویکردهای تحلیلی غایب در مقالات این اثر است. از کتابی که عنوان فرعی آن عبارت است از «کردار، مادیات، و فرهنگ» اغفال و کنار نهادن مباحث شیوه‌های تولید و ساختار اقتصادی بسیار تعجب‌انگیز است. پایه‌های طبقاتی مصرف و نگرش به زمان از جمله مباحث محوری است که اکثر نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی به آن توجه نشان داده‌اند. پی‌یر بوردیو (Pierre Bourdieu) در کتاب *تمایز* (۱۹۸۴) براساس مطالعات تجربی خود به ارتباط طبقهٔ اجتماعی با ذائقه و مصرف می‌پردازد. آنتونی گیدنز (Antony Giddens) هم‌زمان با مدرنیته از فشردگی زمان و مکان بحث می‌کند که این موضوع نیز در مقالات کتاب موردنقد مورداغماض قرار گرفته است.

مسائل اجتماعی و روحی مرتبط با زمان ما را ناگزیر به فهم و درک ماهیت اجتماعی و نقش زمان در دنیای اجتماعی می‌کند. انسان‌ها در حال حاضر تحت القائات جامعهٔ مصرفی هستند و زمان خود را به‌عنوان یک منبع با ارزش صرف خرید و تحصیل کالاها و انطباق با الگوهایی می‌کنند که از جنس «فراواقعیت» (hyper-real) هستند. به‌عقیدهٔ بودریار، توسعهٔ جامعهٔ مصرفی و رسانه‌ها اکنون بدان منجر شده است که خود واقعیت اجتماعی به‌وسیلهٔ «شبیه‌سازی» (simulation) رو به زوال رفته و تصورات و مدل‌ها جانشین انسان‌ها و اشیا شده‌اند (نش ۱۳۹۳: ۵۹).

۷. تحلیل جایگاه کتاب

هرچند سطح کتاب را برای مخاطبان عمومی در نظر گرفته‌اند، علاوه بر ثقیل بودن فصول یک و دو مشکلاتی هم موجود بوده است که به نوعی در سطور قبلی به آن اشارت رفت. مسلماً بازیابی محتوای مباحث این کتاب را برای عموم بسیار مفید و جذاب تر خواهد کرد. همچنین، به دلیل مسئله محور نبودن کل کتاب و گردهم آمدن غیرمنسجم مقالات در کنار هم و جزیره‌ای بودن، به این منجر می‌شود که کتاب جهت هدف‌های آموزشی و آکادمیک نامناسب و ناکارآمد باشد.

بومی‌سازی کتاب برای ایران و آزمون نظریات ارائه شده در اثر، در کشور خودمان، روشن‌گری‌های جالب توجهی را می‌تواند سبب شود، لذا موضوعات فصول، به نحو شایسته‌ای، قادرند جهت انتخاب موضوع برای رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها الهام‌بخش باشند.

۸. نتیجه‌گیری

در میان موضوعات رایج علوم اجتماعی در ایران، موضوع زمان علی‌رغم اهمیت آن مورد غفلت قرار گرفته و فقر ادبیات نظری حول و حوش زمان، با توجه به کتب و مقالات چاپ شده، کاملاً مشهود است. در این شرایط، برگردان این کتاب به فارسی، صرف نظر از برخی از ایرادهای ترجمه‌ای آن، کاری قابل تقدیر و ستایش است. تأکید مقالات این کتاب بر ارتباط متقابل بین مفاهیم زمان، مصرف، زندگی روزمره، جایگاه سرمایه‌داری است که با اتخاذ رویکرد کردارمحور سعی در کنکاش این مهم دارد.

مسائل اجتماعی و روحی مرتبط با زمان ما را ناگزیر به فهم و درک ماهیت اجتماعی و نقش زمان در دنیای اجتماعی می‌کند. انسان‌ها در حال حاضر تحت القائنات جامعه مصرفی هستند و زمان خود را به عنوان یک منبع باارزش صرف خرید و تحصیل کالاها و انطباق با الگوهای می‌کنند که از جنس «فراواقعیت» (hyper-real) هستند. همان‌گونه که اشاره شد بودریار بر این عقیده است که بسط و گسترش جامعه مصرفی و رسانه‌ها در دنیای معاصر بدین امر منجر شده است که واقعیت اجتماعی، به وسیله «شبیه‌سازی» (simulation)، پنهان و دور از دید قرار گیرد و تصورات و مدل‌ها جانشین انسان‌ها و اشیا شوند. این امر حکایت از استیلای نگرش اسطوره‌ای در برابر دید لوجیکال دارد.

در فصل سوم کتاب، ساترتون به پارادوکس «فشار زمانی» (time pressure) اشاره می‌کند. بنابر این پارادوکس در حالی که داده‌های تجربی حاکی از این است که مردم نسبت

به نسل‌های پیشین مدت‌زمان آزاد بیش‌تری در اختیار دارند، علی‌رغم این واقعیت که نسبت به گذشته زمان کم‌تری کار می‌کنند و اوقات فراغت بیش‌تری دارند، از نظر حسی دچار فشار زمانی‌اند و خود را همواره دچار کمبود زمان می‌دانند. به‌طبع، از جمله پی‌آمدهای این حس کمبود زمان کاهش سرمایه اجتماعی و فروغلتیدن در فضای تنهایی و انزواست.

ترسیم شرایط به‌گونه فوق مسئله و سؤال از عاملیت را مطرح می‌کند. امور معمولی روزمره همواره حسی از آزادی توأم با اسارت را در فرد برمی‌انگیزد. این امور از یک‌سو با خلق نوعی نظم به کاهش پیچیدگی و عدم قطعیت منجر می‌شود و در مصرف زمان و انرژی صرفه‌جویی می‌کند، زندگی را امن‌تر، رفتارها را قابل‌پیش‌بینی، و در نتیجه ارتباطات اجتماعی را ممکن می‌سازد. اما از سوی دیگر، بری‌بودن از ویژگی‌هایی هم‌چون خلاقیت، اختیار، و آگاهی حس اسارت و گرفتاری را در فرد برمی‌انگیزد. با توجه به مستندات ارائه‌شده، به نظر می‌رسد راه‌حل ساده‌ای برای این چالش وجود ندارد. جانب‌داری از انتقادات هشداردهنده و تقبیح سبک زندگی بسیار لغزنده و ناپایدار و در طرف دیگر طیف ارزیابی مثبت از فشار زمانی و ربط‌دادن آن به مشارکت فعال و کامل در جامعه، هردو، صبغه‌ای از واقعیت دارند. البته، توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که امور معمولی اموری پویا و دائم در حال تغییرند و اختلالات امری عادی از زندگی روزمره ماست. اختلالات با هر منشئی، چه روان‌شناختی مانند افسردگی و استرس و چه اجتماعی مانند جنگ و پاندومی، ریتم‌های کردار را دچار تغییر می‌کنند. ریتم‌های کردار همواره در حال ساخته‌شدن و ویران‌شدن‌اند.

مصرف، زمان، و سرمایه‌داری سه رأس مثلثی‌اند که در ارتباطات متقابل با یک‌دیگرند. چرخه‌های زمانی مانند چرخه‌های فصلی و آیین‌های تقویمی مصرف کالای خاصی را می‌طلبند و از سوی دیگر سرمایه‌داری در تلاش است تولید و توزیع این کالاها و حتی چرخه‌های زمانی را تحت سیطره خود درآورد. زمان به‌عنوان یک منبع اساسی و ضروری کردار تولید و فروخته می‌شود. مانند آنچه در بحث شلواری‌های جین کهنه‌نما در کتاب مطرح شده است. شلواری‌های جین کهنه‌نما، که حاکی از تأثیرات و فرسودگی‌های سبک زندگی خاصی‌اند، بدون مصرف زمان پوشیدن آن‌ها توسط خریدار به‌دست او می‌رسد. زمان با تمهیدات و ابزارهای خاصی با سریع‌ترکردن بازه انجام کردار برای مصرف‌های بعدی ذخیره می‌شود. نوآوری‌هایی مانند یخچال‌فریزر، دستگاه ماکروویو، و... عمومیت‌یافتن آن‌ها و ریتم‌های کردار روزمره و هماهنگی بین این کردارها را دچار تغییر می‌کند.

کتاب‌نامه

- استونز، راب (۱۳۸۱)، *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: نشر مرکز.
- الیاس، نوربرت (۱۳۷۷)، «تکنیک و تمدن»، ترجمه مراد فرهادپور، فصل‌نامه فلسفی، ادبی، فرهنگی / *ارغنون*، ش ۱۳.
- الیاس، نوربرت (۱۳۹۵)، *درباب فرایند تمدن*، ترجمه عباس خدیوی، تهران: جامعه‌شناسان.
- شاو، الیزابت و دیگران (۱۳۹۷)، *زمان، مصرف، و زندگی روزمره*، ترجمه علیرضا مرادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- شریف‌زاده، رحمان (۱۳۹۷)، *مذاکره با اشیا*، تهران: نشر نی.
- گوناردنا، کانیشکا و دیگران (۱۳۹۳)، *فضا، تفاوت، زندگی روزمره*، ترجمه افشین خاکباز و محمد فاضلی، تهران: تیسرا.
- نش، کیت (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.

Balmer, John M. T. and Mario Burghausen (2019), "Marketing the Past and Corporate Heritage", *Marketing Theory*, vol. 19, no. 2.

Shove, Elizabeth et al. (2007), *Time, Consumption and Everyday Life*, New York, Oxford: Berg.